



شعبه علوم انسانی
کتابخانه
موسسه عالی
مطالعات علمی

VIRGINIA

ماشین دیجیتالی ، شریک هنرمند

به بهانه نمایشگاه آثار رایانه ای هنرمند نقاش مرتضی اسدی در نگارخانه خورشید - بهار ۱۳۷۸

● دکتر عبدالمجید حسینی راد

هنر تجسمی روزگار ما همه عرصه‌های تکنیکی و استفاده از مواد مختلف را پشت سر گذاشته است. از این نظر گاه هر ابزاری مربوط به هر کدام از حیطه‌های حیات بشری می‌تواند به عنوان عنصری بصری در اختیار هنرمند قرار بگیرد. به همین دلیل هم هست که مرزهای سنتی میان شعبه‌های متفاوت هنرهای تجسمی سالهاست که مخدوش شده است.

پس از آن که نقاشی مدرن سیر تحول عناصر بصری مرسوم چون خط، شکل، رنگ، تیرگی، روشنی، بافت و... را به مقصد و موضوع خود گذراند، رشته‌ای دیگر از تحولات با به خدمت گرفتن عناصر «حاضر و آماده» و در نهایت «هرچه که بدست هنرمند می‌رسید» شروع شد و بنابراین محل نقاشی نیز دیگر سطح سفید یا رنگین بوم و یا صفحه‌ای دوبعدی نبود. از این جهت یکی از ویژگیهای اساسی متمایزکننده هنر معاصر از هنر گذشته را نوع برخورد و بهره برداری هنرمند از عناصر، مواد مختلف و ابزارهای متفاوت باید دانست. اما این ویژگی همانقدر که سهل الوصول به نظر می‌رسد در عین حال بسیار پیچیده می‌باشد.

ابزارهای تکنولوژیک جدید جزیی از عالم جدیدی است که هنرمند معاصر در آن نفس می‌کشد.

بصری هنر تجسمی را گسترش دهند. اما این ابزار جدید به سادگی مقهور هنرمند نمی‌شود بلکه ممکن است استعداد و خلاقیت هنرمند را محمل ظهور محتوایی قرار دهد که با خود آورده است. محتوای جدید جدای از ابزار جدید نیست بلکه با او و در اوست که به عالم هنرمند وارد می‌شود و ممکن است آن را دگرگون کند.

ابزارهای تکنولوژیک جدید جزیی از عالم جدیدی است که هنرمند معاصر در آن نفس می‌کشد. به کمک همین ابزارهاست که او می‌تواند تخیلات خود را در قالب هنر معاصر صورت ببخشد.

دست و پنجه نرم کردن با ابزار تکنولوژیک زمانی با اهمیت جلوه می‌کند که هنرمند نه در صدد بهره بردن از امکانات تعریف شده منابع جدید، بلکه در صدد کشف توانایی‌های تعریف نشده آن

عناصر، مواد و ابزار جدید از یک سو قابلیت‌های تازه و منحصر به فردی را در اختیار هنرمند می‌گذارد که موجب توسعه زبان بصری و تجسمی او می‌شود و حیطه هنرنمایی اش را گسترش می‌دهد، به عبارت دیگر دست هنرمند را برای ابزار آنچه در خیال می‌پروراند گشاده‌تر می‌سازد. از جانب دیگر ابزار و مواد جدید محتوای جدیدی را نیز بنا به طبیعت خود به هنرمند عرضه می‌کند که ای بسا قبلاً به هیچوجه مورد توجه و نظر او نبوده است، بلکه با حضور آن ابزار و مواد جدید ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر ابزار جدید محتوایی را با خود عرضه می‌کند که مقصد آن لزوماً غایتی نیست که هنرمند برای هنر خود متصور است.

اگر به رایانه‌های شخصی و برنامه‌هایی که برای ویرایش و اجرای آثار بصری به کار می‌روند با همین دیدگاه توجه شود، می‌توان آنها را به عنوان مواد جدیدی تلقی کرد که می‌توانند امکانات

ابزار جدید

محتوایی را با خود عرضه می‌کند که مقصد آن
لزوماً غایتی نیست که
هنرمند برای هنر خود متصور است.

محتوای جدید

جدای از ابزار جدید نیست بلکه با او و در اوست که
به عالم هنرمند وارد می‌شود
و ممکن است آن را دگرگون کند.

نقش ماشین دیجیتال و برنامه‌های ویرایش تصویر آن

به عنوان شریک هنرمند در خلق آثار جدید را

نباید از نظر دور داشت و باید پذیرفت که حرکت «موس»

نمی‌تواند جانبخش حرکت جانبخش دست هنرمند شود.

کار کرده (فتوشاپ)، برای چنین کاری طراحی شده است. در نتیجه می‌توان گفت برنامه مذکور قدرت اجرای آنچه را که اسدی می‌خواسته نداشته است.

با توجه به آثار ارائه شده باید گفت «اسدی» نه تنها مقهور ابزار تکنولوژیک نشده بلکه از آنچه امکانات این برنامه می‌توانسته در اختیار او قرار دهد بسی فراتر رفته است. به دیگر سخن او قابلیت‌هایی را از «فتوشاپ» استخراج کرده که بسیار عمیق‌تر از استعدادهای تعریف شده آن است.

فتوشاپ اگرچه برنامه ایست که قابلیت‌های متعددی را برای طراحی و اجرای یک اثر گرافیکی در اختیار می‌گذارد اما بهر گرفتن از آن برای ساختن آثاری که می‌توان به آنها «آثار نقاشی» خطاب کرد، کار قابل توجهی است. بخش اعظمی از موفقیت اسدی مرهون تجربه بسیار و توانایی‌های انکار ناپذیرش در نقاشی، شناخت او از ساختار تجسمی و کار با مواد گوناگون است. او توانسته به رغم محدودیت‌های «فتوشاپ» برای نقاشی کردن، مجموعه‌ای یکدست بسازد که روحیه شرقی و حماسی موجود در نقاشی‌هایش را به خوبی منعکس میکند.

اگرچه امکانات ابزار جدید در حد پنجره‌ای قابل ارزیابی است که بر منظره‌های نو و نادیده گشوده می‌شود، اما می‌توان گفت نقاش ما از این پنجره گذشته و منظره‌ای را آشکار ساخته که پیش از این قابل رویت نبوده است. البته اسدی می‌تواند بدون به نمایش گذاردن این آثار که حاصل کلنجار رفتن با دستگاه بوده است، آنها را به صورت کار نقاشی اجرا کند. در این صورت رایانه حداقل به او امکان تجربه‌ای را داده است که قبلاً از آن برخوردار نبوده است.

بر می‌آید. این موضوع جز با خلاقیت و برخورداری از تبحر و شناختی عمیق از هنر خود و ابزار جدید میسر نیست.

ابزار سنتی؛ رنگ، قلم مو، مرکب و کاربرد همراه با صدای خش خش تراشیدن رنگ، بوی روغن، بافت مرکب و رد قلم مو زندگی، احساس، شادی، رنج و اعتقاد هنرمند را بر بوم می‌نشانند و نقشی که آفریده می‌شود ادامه حیات هنرمند است و چیزی از جنس روح او در آن دمیده می‌شود. هنرمند در جریان تکوین اثر با آن زندگی می‌کند و در آن متولد می‌شود. اما این همه تا چه میزان می‌تواند از طریق قلم، رنگ، فیلتر، بافت، دفرم‌اسیون‌های دیجیتالی و حرکت «موس» به اثر هنری تحویل شود، چندان روشن نیست؟ به خصوص اینکه امکان تولید و تکثیر بی‌نهایت نسخه از اثر طراحی شده همواره موجود است. اگرچه آن نقش را می‌توان از حافظه زنده و بیجان مغز الکترونیکی دستگاه زدود.

به هر حال نقش ماشین دیجیتال و برنامه‌های ویرایش تصویر آن به عنوان شریک هنرمند در خلق آثار جدید را نباید از نظر دور داشت و باید پذیرفت که حرکت «موس» نمی‌تواند جانبخش حرکت جانبخش دست هنرمند شود. بافت‌های متنوع نیز جایگزین رد قلم نمی‌شوند. و سرانجام اگر فاصله زمانی میان اتفاقی که روی مانیتور می‌افتد و تفاوت آن از نظر رنگ اندازه و زنده بودن را با نمونه‌ای که بعداً قرار است توسط دستگاه چاپ خوانده و تکثیر شود در نظر بگیریم، به سادگی نمی‌توان نمونه تولید شده را «اثر هنری» خواند. البته در مجموعه حاضر «مرتضی اسدی» نه قصد آن دارد که بگوید نقاشی‌هایی خلق کرده است همپایه آثاری که با اجرای زنده و به طور مستقیم روی بوم بوجود می‌آورد و نه برنامه‌ای که با آن